

زنان رویاروی با جنگ

هاجر سیاه رستمی
دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل

Charlotte Lindsey, *Women Facing War*, Geneva:
International Committee of the Red Cross, 2001, 274 pages.

برمی‌شمرد و ستایش می‌کند. نویسنده کتاب خانم لیندسی، مدیر پروژه «زنان و جنگ» است و با نوشتن این کتاب قصد داشته است وضعیت زنان رویاروی با جنگ را در معرض توجه بین‌المللی قرار دهد تا شاید از این رهگذر بهبودی در این وضعیت حاصل شود.

کتاب دارای ۴ فصل است. بخش نخست با عنوان **دیباچه** به معرفی دیدگاه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نسبت به مسئله زنان می‌پردازد و می‌کوشد تا اثر

کتاب *زنان رویاروی با جنگ* دستاورد کاری تحقیقاتی است که به کوشش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و برای بررسی و مطالعه تاثیر درگیریهای مسلحانه بر زنان انجام شده است. در حقیقت این کتاب بخشی از تلاشهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای جلب توجه نسبت به وضعیت زنان در هنگام جنگ است که در عین حال تواناییها و ظرفیتهای متعدد زنان را که همواره در درگیریهای مسلحانه سراسر جهان به عرصه ظهور رسیده است

جهانی درگیرهای مسلحانه بر زنان را تشریح کند. نویسنده کتاب بر این باور است که در سالهای گذشته در پی افزایش شمار درگیرهای مسلحانه در سراسر جهان، نقش سنتی زنان در خانواده و جامعه تغییر یافته و مشارکت زنان در درگیرهای مسلحانه افزایش چشمگیری یافته است. بنابراین، امروزه دیگر زنان تنها به عنوان بخشی از جمعیت غیرنظامی که تحت تاثیر جنگ قرار گیرند تلقی نمی‌شوند، بلکه آنها به شیوه‌ای مستقیم در عملیات جنگی و در ارتکاب جنایات جنگی مشارکت دارند، مانند مشارکت زنان سرباز در رواندا در ارتکاب نسل‌کشی، همچنین آنها در حمایت، تقویت روحیه و تشجیع مردانشان نقشی اساسی دارند. این افزایش مشارکت باعث افزایش آسیب‌پذیری زنان از جنگ شده است و این آسیب‌پذیری امری است که توجه و اهتمام بین‌المللی برای پرداختن به آن را می‌طلبد.

با این اوصاف هدف آغازین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از این مطالعه این است که در آغاز با توجه به درسهایی که از تجارب درگیرهای مسلحانه کنونی و

گذشته گرفته راه‌های آسیب‌پذیری زنان از درگیرهای مسلحانه را کشف و برای بهبود کیفیت و تاثیر فعالیتهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استفاده کند و در نهایت با جلب توجه و حساسیت فعالان بین‌المللی به نیازهای ویژه زنان و با بهبود کیفیت فعالیتهای انجام شده برای زنان در هنگام جنگ وضعیت کم‌کسانی و حمایت از زنانی را که تحت تاثیر جنگ قرار گرفته‌اند، بهبود بخشد. با در نظر داشتن این هدف، نویسنده کتاب:

۱. نیازهای زنان را تعریف و تحلیل کرده است؛
۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و دیگر شاخه‌های مرتبط حقوق بین‌الملل با مسئله زنان مانند حقوق بشر را تجزیه و تحلیل کرده و حدود پوشش دادن این نیازها توسط شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل را ارزیابی می‌کند؛
۳. تصویری واقعی و جهانی از فعالیتهای انجام شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای زنان قربانی درگیرهای مسلحانه ترسیم می‌کند؛
۴. فهرستی از توصیه‌های کلی ارائه می‌کند.

در بخش دیباچه، نویسنده حوزه مطالعه خود را در کتاب مشخص کرده و می‌گوید موضوع این مطالعه زنان غیرنظامی هستند و تنها بخش محدودی به نقش زنان رزمنده و شرکت کننده در عملیات صلح اختصاص داده شده است. همچنین این کتاب تنها به بررسی مشکلات زنان می‌پردازد و موضوع مشکلات دختران در هنگام جنگ در مطالعات دیگری که به مسئله کودکان و جنگ می‌پردازد بررسی می‌شود. سرانجام اینکه این مطالعه بر نیازهای زنان متمرکز است نه نیازهای مبتنی بر «جنسیت». جنسیت تصور و انتظار جامعه از زن و مرد است درحالی که «زن» یا «مرد» بودن، ویژگی طبیعی و ذاتی افراد انسانی است. بنابراین، موضوع مطالعه این کتاب نیازهای طبیعی و ذاتی زنان است نه آنچه جامعه برای آنها تصور می‌کند. همچنین توضیحی در مورد متدولوژی کتاب داده شده است. برپایه این توضیح، این کتاب بر مبنای انواع مختلف «نیازها» پایه‌گذاری شده است و نیازهای مختلف زنان برحسب اولویت گروه‌بندی شده‌اند.

بخش دوم کتاب عنوان **ارزیابی نیازهای جمعیت غیرنظامی با توجه به وضعیت ویژه زنان** را بر خود دارد. در آغاز این بخش به مسئله لزوم دسترسی سازمانهای بشردوستانه به جمعیت غیرنظامی نیازمند، به ویژه زنان، با توجه به مشکلات خاص آنها اشاره شده و قواعد حقوق بین‌الملل ناظر بر تعهد دولتها مبنی بر اجازه دادن به سازمانهای بشردوستانه برای دسترسی به جمعیت غیرنظامی نیازمند و دادن اجازه عبور به محموله‌های بشردوستانه تشریح شده است.

پس از این مختصر، نیازهای زنان در یازده گروه طبقه‌بندی و جداگانه بررسی شده‌اند. این یازده گروه عبارتند از: امنیت، غذا و آب، منابع حیات، سرپناه، تندرستی، بهداشت و درمان، حمایت از واحد خانواده، آموزش و اطلاعات، اعمال مذهبی و فرهنگی، گروههای اجتماعی و مسایل حقوقی.

رویکرد کتاب برای بررسی هر یک از این نیازها این است که نخست به بررسی مشکل می‌پردازد، سپس قواعد حقوق بین‌الملل ناظر بر آن را مطالعه می‌کند.

پس از آن پاسخ کاربردی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به این مشکل را معرفی می‌کند و سرانجام در مقام نتیجه‌گیری نکات کلیدی موجود در آن بحث را جمع‌بندی می‌نماید.

به نظر نویسنده نخستین و مهمترین نیاز زنان مسئله «امنیت» است. از دید نویسنده این امنیت می‌تواند شامل امنیت فردی، امنیت در برابر خطرات، خشونت‌های فیزیکی یا ذهنی یا انواع تهدیدات مانند تهدید به قتل، شکنجه، رفتار خفت‌بار و انواع خشونت‌های جنسی، آزادی از آوارگی اجباری و آزادی جابه‌جایی باشد.

مقررات متعددی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر، حقوق پناهندگان و حقوق بین‌الملل کیفری، از زنان در برابر انواع خشونت‌ها حمایت می‌کنند. برپایه این مقررات باید تدابیری برای تامین امنیت زنان اتخاذ شود.

نیاز بعدی «غذا و آب» است. در هنگام وقوع درگیری‌های مسلحانه دسترسی جمعیت غیرنظامی به طور کلی، به منابع آب و غذا محدود و دشوار می‌شود. از آنجا که معمولاً مردان خانواده در هنگام جنگ به عنوان رزمنده به جنگ اعزام

می‌شوند و بار سنگین تامین غذای خانواده به دوش زنان قرار می‌گیرد آسیب‌پذیری آنها تشدید می‌شود و این وضعیت آنها را در معرض خطرات بیشتر و جدیتر مانند خطر مین قرار می‌دهد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از یک‌سو بر ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی تأکید کرده و از سوی دیگر به لزوم تامین غذای مناسب برای جمعیت غیرنظامی و نیز تامین نیازهای غذایی ویژه زنان بخصوص زنان باردار و مادران شیرده در طی درگیری‌های مسلحانه توجه می‌کند. (بنگرید به مقررات ماده ۵۴ پروتکل اول و ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو) مقرراتی از اسناد مختلف حقوق بشری هم به حق دسترسی به غذای مناسب برای ادامه حیات اشاره کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ اشاره کرد. در حقوق پناهندگان هم تامین غذای مناسب و کافی برای جمعیت پناهنده پیش‌بینی شده است. همچنین هرگاه شورای امنیت تصمیم به تحریم اقتصادی کشوری می‌گیرد باید ملاحظات حقوق بشر و

حقوق بشردوستانه را در آن تحریم در نظر داشته باشد.

«منابع حیات» (اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی) سومین اولویت مورد نیاز زنان است. دسترسی به منابع کشاورزی و زمین به جمعیت غیرنظامی این امکان را می‌دهد که نیازهای حیاتی خود را با کشت و زرع و نگهداری حیوانات تأمین کرده و به این ترتیب امنیت اجتماعی و اقتصادی برای خود فراهم نمایند. اما در هنگام درگیریهای مسلحانه به دلیل آوارگی مردم، دزدی، غارت و تخریب اموال و تجهیزات زندگی، زنان سرپرست خانواده از وسایلی که برای تأمین معشیت خانواده خود به آن نیازمند هستند محروم می‌شوند. همچنین اشتغال و داشتن شغل برای بقای اقتصادی جامعه و مردم ضروری است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان روش جنگی، ممنوع کردن تخریب اشیای لازم برای بقای جمعیت غیرنظامی مانند زمینهای کشاورزی و امثال آن نیاز جمعیت غیرنظامی را تأمین می‌کند. از سوی دیگر حقوق بشر هم با مقرر کردن حقوقی مانند حق دسترسی به غذای

مناسب، حق امنیت فردی و علاوه بر آنها حق مالکیت شخصی و حق بهره‌برداری از آن، حق داشتن شغل در کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حق جمعیت غیرنظامی به داشتن منابع لازم برای حیات خود تأکید می‌کند.

«سرپناه» نیاز دیگری است که به آن پرداخته شده است. سرپناه شامل ساختارهای اولیه‌ای مانند چادر و وسایلی مانند لباس، پتو و وسایل گرمازا است. نویسنده نیاز به لباس مناسب برای حفظ تندرستی و رعایت شأن افراد را نیز در این مقوله طبقه‌بندی کرده است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأکید می‌کند که جمعیت غیرنظامی در هنگام وقوع درگیری مسلحانه نباید مجبور به ترک مسکن خود شوند و اگر این جمعیت آواره شد باید از تسهیلات لازم در هنگام آوارگی و دوری از خانواده بهره‌مند شوند. همچنین براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه لباس مناسب جزو فهرست ملزومات امدادی برای جمعیت غیرنظامی است (بنگرید به ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۰ پروتکل یکم الحاقی). از دیدگاه حقوق بشر نیز داشتن

پوشش مناسب جزو کمترین استانداردهای زندگی است که مانع از تحقیر و برخورد غیرانسانی با افراد بشر است.

نیاز بعدی «تندرستی» است. منظور از تندرستی آمیزه‌ای از آسایش جسمی، روانی و اجتماعی است و صرف بیمار نبودن، تندرستی محسوب نمی‌شود. تندرستی زنان مشتمل بر آسایش اجتماعی و جسمانی آنهاست که به واسطه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی زندگی و همچنین ویژگیهای زیستی آنها تعیین می‌شود. بنابراین حمایت از حق بر تندرستی به تامین نیازهای دیگری مانند در دسترس بودن غذا و آب آشامیدنی، سرپناه مناسب و تجهیزات بهداشتی و ایمنی وابسته است. موانع فرهنگی و مذهبی (مانند عدم آموزش مناسب زنان، تفکیک بین تسهیلات لازم برای زنان و مردان و لزوم مراقبت از زنان توسط پرسنل زن) در برخی از کشورها مانع دسترسی زنان به تسهیلات بهداشتی مناسب است و هنگام وقوع درگیریها به سبب کمبود ملزومات و تسهیلات بدتر می‌شود. این در حالی است که زنان به خاطر ویژگیهای جسمی، بیشتر در

معرض بیماری (به ویژه بیماریهای مخصوص زنان و مربوط به زایمان) هستند و در سالهای گذشته به خاطر گسترش خشونت‌های جنسی در درگیریهای مسلحانه با خطر مرگ‌آفرین بیماری‌های ایدز هم روبه‌رو شده‌اند.

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مقررات گوناگونی هستند که به لزوم دسترسی غیرنظامیان به غذا، سرپناه و لباس مناسب و تسهیلات بهداشتی و درمانی و بر لزوم احترام به پرسنل پزشکی و ممنوعیت حمله به آنها تأکید کرده‌اند. همچنین پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق بهره‌مندی همه افراد از بالاترین استانداردهای بهداشت جسمی و روحی را اعلام کرده است.

بخش بزرگی از فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کشورهای درگیر جنگ به مسئله رایج مراقبت‌های پزشکی و تلاش جهت ارتقای تندرستی انسانها اختصاص دارد و در این راستا فعالیتهای گوناگونی با توجه به وضعیت ویژه زنان و نقش مادری آنها صورت گرفته است.

«بهداشت و درمان» هم جزو نیازهای پراهمیت است. منظور از بهداشت و درمان، شرایط یا فعالیتهایی است که برای تندرستی و جلوگیری از بیماری انسانها به طور فردی و گروهی صورت می‌گیرد. زنان برای حفظ بهداشت شخصی خود به وسایل بهداشتی نیاز دارند و نبود این ملزومات باعث بیماری آنها و به طور کلی شیوع بیماریهای همه‌گیر خواهد شد. برای نمونه در بسیاری از فرهنگها زنان برای شستشوی خود نیاز به مکانی خصوصی و جدای از مردان دارند. حال اگر چنین مکانی در هنگام جنگ برای زنان در نظر گرفته نشود این کمبود مانع استحمام آنها و در نتیجه باعث بروز بیماریهای همه‌گیر خواهد شد. بنابراین، توجه به نیازهای ویژه زنان و اختصاص لوازم و تجهیزات لازم و کافی بهداشتی به آنها برای حفظ سلامت فردی و جمعی ضروری است. همان مقررات حقوق بشردوستانه و حقوق بشر که بر لزوم دسترسی انسانها به کمترین تسهیلات بهداشتی با توجه به وضعیت ویژه زنان می‌پردازند در این مورد هم صادقند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در فعالیتهای گوناگونی که در

کشورهای درگیر جنگ مانند افغانستان و تیمور شرقی داشته همواره برای تامین تسهیلات بهداشتی لازم برای زنان کوشیده است.

«حمایت از خانواده» نیاز بنیادینی است که می‌تواند مبنای تامین نیازهای مهم دیگری باشد. حمایت از واحد خانواده اهمیتی بنیادین در تامین رفاه و آسایش خانواده دارد. این حمایت بخصوص برای کودکان بسیار مهم است. زیرا مراقبت، آموزش، حمایت و کمکی را که آنها نیازمند آن هستند برای آنها فراهم می‌کند و آسایش کودکان اثر مستقیمی بر آسایش مادران آنها دارد. در هنگام جنگ بارها اتفاق می‌افتد که اعضای خانواده‌ها از هم دور می‌افتند. این جدایی به دلیل دور شدن مردان خانواده برای جنگ، تصمیم خود اعضای خانواده به جدایی برای کاهش خطرات و امثال آن اتفاق می‌افتد و در اغلب موارد اعضای خانواده هیچ خبری از یکدیگر ندارند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سه طریق از تلاشی خانواده‌ها جلوگیری می‌کند: با برقراری دوباره ارتباط بین اعضای خانواده‌ها که بر اثر جنگ از هم

جدا شده‌اند، جستجوی اعضای گم‌شده خانواده‌ها و گردآوری دوباره اعضای خانواده‌ها.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای برقراری دوباره ارتباط بین اعضای خانواده‌ها که بر اثر جنگ از هم جدا شده‌اند نخست اعلام می‌کند که جدایی اعضای خانواده‌ها برخلاف میل آنها ممنوع است. دوم اینکه در صورت جدایی اعضای خانواده‌ها دولت‌ها را ملزم می‌کند تدابیر لازم برای گردآوری دوباره اعضای خانواده‌ها اتخاذ کنند و سوم اینکه تسهیلاتی را برای برقراری دوباره ارتباطات خانوادگی فراهم کنند.

همچنین به محض آنکه دلایل امنیتی که باعث جدایی اعضای خانواده از هم شده بود مرتفع شوند و مخاصمه پایان یابد دوباره اعضای خانواده بایستی دور هم جمع شوند. این ضرورت برای زنانی که از فرزندان و اعضای خانواده خود دور شده و از این جهت تحت استرس و فشار روانی دائمی هستند بیشتر نمایان است.

«آموزش و اطلاعات» نیز مورد نیاز زنان است. همه انسانها باید در هنگام جنگ آموزشهای لازم را در مورد مسایل

بهداشتی و درمانی و نیز خطر مینها و راه‌های درآمدزایی دریافت کنند. همچنین زنان باید به اطلاعاتی که به آنها این توان را می‌دهد که در مورد امنیت، حقوق خود و نحوه دسترسی به کمک و آموزش تصمیماتی آگاهانه بگیرند، دسترسی داشته باشند.

در حقوق بشردوستانه بیشتر بر آموزش کودکان و نیز آموزش زندانیان و ساکنان اردوگاه‌های آوارگان تمرکز شده است. اما اسناد حقوق بشر به ویژه پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حق بر آموزش کلیه افراد بشر تصریح کرده است. همچنین ماده ۱۰ کنوانسیون منع هرگونه نابرابری علیه زنان، رفع کلیه نابرابریهای آموزشی علیه زنان را پیش‌بینی کرده است.

در زمینه حق بر دریافت و آرایه اطلاعات هم مقررات حقوق بشری به ویژه پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح بیشتر و مؤثرتری دارند.

«اعمال فرهنگی و مذهبی» و لزوم داشتن آزادی انجام این اعمال، خود نیاز دیگری است. همه افراد نیازمند آزادی

برای انجام آداب مذهبی و به جا آوردن رسوم و عادات خود هستند. البته در جنگها و به ویژه جنگهایی که مضمونی مذهبی دارند به خاطر آنکه تقریباً همه رهبران مذهبی از مردان هستند، مردان بیشتر در معرض خطر سلب آزادی انجام اعمال مذهبی و فرهنگی هستند اما زنان نیز در هنگام مخاصمات مسلحانه به خاطر نداشتن آزادی رفت و آمد یا آوارگی و نداشتن سرپناه مناسب از این حق خود محروم می‌شوند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شیوه‌های مختلف از جمله حمایت از آزادیهای مذهبی همه افراد بدون تبعیض، حمایت از حق انجام اعمال مذهبی در هر شرایط و هر جا از آزادی انجام اعمال مذهبی حمایت می‌کند. همچنین مقررات حقوق بشر هم با تأکید بر بهره‌مندی همه افراد از کلیه حقوق بشر بدون هیچ‌گونه تبعیض و نیز تأکید بر بهره‌مندی افراد از آزادی مذهبی از این حق حمایت کرده است.

«تشکیل گروه‌های اجتماعی» هم در هنگام جنگ مورد نیاز است. این نکته ثابت شده است که در بسیاری از جوامع،

مسئولیتها و علقه‌های اجتماعی نه تنها نقش اجتماعی قدرتمندی ایفا می‌کنند بلکه شبکه حمایتی ایجاد می‌کنند که بخشی مهم از ساختار جامعه را شکل می‌دهند. نقش زنان در گروه‌های اجتماعی و حمایتی که آنها از این طریق کسب می‌کنند عوامل مهمی در بازسازی ساختارهای اجتماعی پس از جنگ هستند. بنابراین ایجاد چنین شبکه‌هایی به ویژه در کشورهای بحران‌زده باید تشویق شود. هرچند حقوق بشردوستانه و حقوق بشر به طبع در این زمینه ساکتند اما کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در عملکردهای خود از این گروه‌های اجتماعی حمایت می‌کند.

«مسایل حقوقی» و لزوم رایبه برخی خدمات حقوقی آخرین نیازی است که نویسنده به آن پرداخته است. تحت این عنوان دو نیاز زنان در نظر گرفته شده است: نخست نیاز به داشتن اسناد هویت شخصی مانند شناسنامه و گذرنامه. داشتن این اسناد در هنگام جنگ برای آزادی رفت و آمد، دریافت کمک‌های اجتماعی، ثبت نام و به طور کلی شناسایی افراد ضرورت دارد. درحالی که زنانی که بر اثر

جنگ آواره شده و شوهرانشان را از دست داده‌اند از این جهت دچار مشکل می‌شوند، به ویژه اینکه در بسیاری از کشورها بعضی اسناد شخصی مانند گذرنامه برای زنان به طور مستقل صادر نمی‌شود. نویسنده پیشنهاد کرده است که برای رفع این مشکل سند مسافرت ویژه‌ای توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تهیه و شناسایی شود.

نیاز دیگر در این قضیه مسئله دسترسی به راه‌حلهای مؤثر حقوقی است. در بسیاری از کشورها نه تنها زنان از وضعیت حقوقی برابر با مردان برخوردار نیستند بلکه حتی آموزش لازم هم برای دسترسی به حقوق اندک خود دریافت نمی‌کنند. در هنگام جنگ زنان نیاز دارند که کمکهای حقوقی لازم را برای رویارویی با سوءاستفاده‌هایی که علیه آنها انجام می‌شود دریافت کنند. بنابراین، زنان باید در هنگام جنگ به نحو مناسبی از حقوق خود مطلع شوند و تلاش لازم برای تضمین اینکه زنان از مشاوره و کمکهای حقوقی لازم برخوردار شده و به وکیل صالح دسترسی داشته‌اند صورت گیرد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مقررات متعددی بر لزوم تامین تضمینهای قضایی در رسیدگیهای کیفری برای قربانیان مخاصمات مسلحانه تأکید کرده است و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نقض این تضمین را جنایت جنگی خوانده است. بنابراین، لزوم تعقیب اشخاص متهم به ارتکاب جنایات جنگی و حق بر دریافت غرامت از مدتها پیش جزیی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است. همچنین حق دسترسی به راه‌حل مناسب در اسناد حقوق بشر هم تصریح شده است. هم پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (در بند ۳ ماده ۲) و هم برخی اسناد منطقه‌ای حقوق بشر مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تدارک راه‌کارهای مؤثر برای نقض حقوق مندرج در این اسناد را از دولتها خواسته‌اند.

نکته‌ای که در حین بررسی دیدگاه نویسنده به نیازها و مشکلات زنان در جای‌جای کتاب مشهود است توجه وی به گوناگونی فرهنگها و مذاهب در جوامع مختلف و تاثیر این گوناگونی بر نوع نیازها و نحوه تامین آنهاست. برای مثال محدودیتها و موانع مذهبی و فرهنگی که

در جوامع مختلف برای حضور و مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های مختلف اجتماعی وجود دارد از نظر نویسندگان دور نمانده است. این نکته‌سنجی و واقعیت‌گرایی نویسندگان باعث شده تا مطالب وی اختصاص به منطقه جغرافیایی خاصی نداشته باشد و پیشنهادات وی برای حمایت از زنان در سراسر جهان قابل استفاده باشد. این نکته‌ای است که کمتر در آثار نویسندگان باخترزمین مشهود است و خواننده با مطالعه این آثار، توجه صرف نویسندگان را به آنچه در حوزه جغرافیایی زندگی وی می‌گذرد و موجب ناکارآمدی توصیه‌های وی برای سایر کشورها می‌شود، درمی‌یابد.

پس از بررسی نیازهای زنان که به تفکیک و تفصیل بررسی شده‌اند، نویسندگان در بخش سوم به سراغ موضوع **دستگیری و بازداشت در هنگام درگیریهای مسلحانه** می‌روند که توجه به آن برای بهبود وضعیت زنان رویاروی با جنگ ضرورت دارد. این بخش با مطالعه نیازهای عمومی کسانی که بازداشت می‌شوند آغاز می‌شود و پس از آن به مطالعه اثرات این نیازها بر زنان و همچنین نیازهای خاص زنان

می‌پردازد. در حقیقت مسئولیت اولیه تامین نیازهای بازداشت‌شدگان برعهده دولت‌ها است اما در صورتی که دولت به تعهد خود عمل نکند سازمان‌های بین‌المللی و غیرحکومتی عهده‌دار این وظیفه خواهند شد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه - به ویژه در مقررات پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو - و همچنین برخی از اسناد حقوق بشری - به ویژه سندی به نام کمترین قواعد استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب نخستین کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، سال ۱۹۵۵ - بر تعهد دولت‌ها به رفع نیازهای بازداشت‌شدگان و رفتار انسانی با آنها تصریح کرده‌اند.

«بازداشت‌شده» به هر فردی گفته می‌شود که توسط مقام بازداشت‌کننده به زندان افتاده باشد؛ چه محاکمه شده باشد یا نه. بنابراین، بازداشت‌شدگان می‌توانند اسیران جنگی، اشخاص مورد حمایت که به دلیل ارتکاب جرم، تحت تعقیب دولت اشغالگر هستند، اشخاصی که مشمول هیچ‌یک از دو عنوان نخست نیستند اما به دلیل جاسوسی دستگیر شده‌اند و همچنین همه اشخاصی که به دلیل ارتکاب جرایم

عادی و غیرمرتبط با درگیریهای مسلحانه بازداشت شده‌اند، باشد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ براساس وظیفه خود با زندانیان و بازداشت‌شدگان ملاقات می‌کند و در ملاقات با زنان زندانی و بازداشت‌شده وضعیت خاص زنان را مورد توجه قرار می‌دهد. اغلب زنان زندانی به دلایل فرهنگی و مذهبی ترجیح می‌دهند مشکلات خود را با بازرسان و بازدیدکنندگان زن در میان بگذارند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همواره به این نکته توجه دارد.

پس از آن به ترتیب نیازهای بازداشت‌شدگان را برمی‌شمرد و در مورد آنها توضیح می‌دهد. این نیازها عبارتند از: اسکان بازداشت‌شدگان، رفتار و امنیت، شرایط بازداشت، تندرستی و مراقبتهای پزشکی، بهداشت، برقراری دوباره ارتباطات خانوادگی و حمایت از این ارتباط، برنامه‌های آموزشی، کاری و تفریحی، اعمال مذهبی و فرهنگی، اسناد شخصی و تضمینهای قضایی. این نیازها نکات مشترکی با نیازهای عمومی که در بخش پیش بررسی شدند دارند اما وضعیت ویژه بازداشت‌شدگان در هریک

از آنها مورد توجه بوده است. برای مثال در رابطه با محل نگهداری و اسکان بازداشت‌شدگان به لزوم تامین محلی جدا از مردان برای بازداشت‌شدگان زن توجه شده و در مورد رفتار و امنیت بازداشت‌شدگان مقررات حقوق بین‌الملل ناظر به تعهد مقام بازداشت‌کننده به تامین امنیت زنان بازداشت‌شده، لزوم نظارت بر زنان بازداشت‌شده توسط زندانبان زن مورد توجه قرار گرفته است. در هریک از این مباحث مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر ناظر به هریک از عناوین، بررسی شده‌اند.

بخش پایانی کتاب به **نتیجه‌گیری** اختصاص یافته است. در این بخش نویسنده اعلام کرده است که هدف از این پژوهش رسیدن به سه هدف ذیل بوده است: تعیین نیازهای زنانی که گرفتار درگیریهای مسلحانه شده‌اند، مطالعه مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر به منظور ارزیابی درجه حمایتی که از زنان به عمل می‌آورند و ترسیم تصویری کلی از پاسخ عملیاتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به نیازهای زنانی که تحت تاثیر جنگ قرار گرفته‌اند.

نویسنده تأکید می‌کند که تمرکز این پژوهش بر نیازهای زنان است و نه «حقوق» آنها و دیگر اینکه این پژوهش تنها به مطالعه نیازها و وضعیت زنانی که قربانی جنگ شده‌اند نمی‌پردازد بلکه نیازهای همه زنان را مطالعه و بررسی می‌کند. در حقیقت نویسنده معتقد است که معنای واژه «آسیب‌پذیر» با مفهوم واژه «قربانی» در مورد زنان متفاوت است و آنچه در این پژوهش مورد توجه است «آسیب‌پذیری» زنان است. در این بخش نویسنده به این نکته مهم توجه کرده است که تغییر شکل درگیریهای مسلحانه از بین‌المللی به داخلی باعث شده غیرنظامیان تبدیل به گروه اصلی قربانیان درگیریهای مسلحانه شوند.

اما مجموعه این پژوهش ما را به سمت این پرسش رهنمون می‌کند که «چگونه می‌توانیم تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان را در جنگهای آینده تضمین کنیم به نحوی که از گسترش روزافزون خشونت جلوگیری شود؟» یعنی هدف نهایی این پژوهش تلاش برای تضمین حمایت بهتر از همه انسانها است.

سپس نویسنده به تحلیل وضعیت بین‌المللی موجود برای حمایت از زنان می‌پردازد و این پرسش کلیدی را مطرح می‌کند که آیا نقایصی که در زمینه حمایت از زنان در درگیریهای مسلحانه وجود دارد ناشی از نقص مقررات و کمبود قوانین است یا منشأ دیگری دارد. نویسنده به درستی معتقد است که حقوق - به ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر - حمایتی مناسب و کافی از زنان در درگیریهای مسلحانه، اعم از داخلی و بین‌المللی به عمل آورده و نیازهای آنها را به خوبی پوشش می‌دهد. البته در این پوشش حقوقی خللها و کاستیهایی هم وجود دارد که بیشتر مربوط به مسئله بازگشت به وطن پس از آوارگی اجباری و مسئله اسناد هویت شخصی می‌شوند. اما در مجموع حمایت حقوق از زنان، مناسب و کامل است. در حقیقت کاستیهایی که در حمایت از زنان وجود دارد بیشتر مربوط به احترام به قوانین و اجرای آنهاست نه مربوط به خود نظام حقوقی. برای نمونه در مورد نقض قواعدی که از زنان حمایت فیزیکی به عمل می‌آورند می‌توان گفت که تخلفات موجود، ناشی از عدم تمایل به

کرده است اجرا و تضمین نماید؟» به نظر نویسندگان نخستین کاری که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند انجام دهد ادامه تلاش برای آگاه کردن همه نیروهای مسلح از مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نظارت بر اجرای این مقررات است. دیگر اینکه کمیته باید به کار حمایتی که اینک در سراسر جهان برای حمایت از زنان انجام می‌دهد ادامه داده و با انجام مطالعه، اطلاعات و تخصص خود را در این زمینه افزایش دهد و در نهایت با آگاه کردن مردان از مشکلات خاص زنان حمایت بیشتر آنها را از زنان جلب کند.

به نظر نویسندگان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند با افزایش فعالیت‌های خود و بخصوص آموزش موثرتر افراد، حمایت بیشتر و بهتری از زنان به عمل آورد و راهی که می‌تواند حمایت بهتر و موثرتر از زنان را به شیوه‌ای حقیقی تضمین نماید همانا آموزش هرچه بیشتر و گسترده‌تر حقوق بین‌الملل بشردوستانه با بهره‌گیری از همه امکانات ممکن است.



اجرای قواعد است نه عدم امکان اجرای آنها؛ یا کمبودها و مشکلاتی که در ارایه کمک‌های بشردوستانه وجود دارد ناشی از کمبود بودجه و امکانات، عدم تمایل کشور درگیر جنگ به دریافت کمک و کوتاهی سازمانهای بشردوستانه است، نه ناشی از نقص قواعد و مقررات حقوقی.

البته مشکل دیگری هم وجود دارد و آن دشوار بودن اجرای برخی از قواعد حقوقی است. برای نمونه در درگیریهای مسلحانه جدید اجرای اصل تفکیک بین غیرنظامیان و نظامیان بسیار دشوار است.

در کنار مسئله وجود قواعد حقوقی و لزوم رعایت آنها، مسئله مکانیسم‌های اجرای حقوق و مجازات تخلفات هم برای تضمین اجرای قواعد دارای اهمیتی حیاتی است و خوشبختانه در سالهای اخیر پیشرفتهای بزرگی در تعقیب و مجازات جنایتکاران جنگی و در جبران خسارتهای وارده بر قربانیان جنگها حاصل شده است.

پرسش پایانی کتاب این است که «با این اوصاف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ چه کارهایی می‌تواند انجام دهد تا بیشترین حمایتی را که حقوق به زنان اعطا